

چکیده

جامعه امروزی در روند حرکت خود در بسیاری از زمینه‌ها از جمله در زمینه آموزش و پرورش با مسائل متعددی روبه‌روست. آموزش و پرورش نهادی است که پایه‌های جامعه را پی‌ریزی می‌کند. سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش فرایندی درازمدت است و با سایر نهادهای اجتماعی نیز ارتباط متقابل دارد. یکی از مسائلی که آموزش و پرورش با آن روبه‌رو است کاهش انگیزه یا علاقه به تحصیل در دانش‌آموزان است. این بی‌انگیزگی گذشته از افت تحصیلی و اتلاف منابع مادی، منجر به ناامیدی و دلسردی دانش‌آموزان می‌شود و زمینه را برای ایجاد مشکلات روحی در آنان و انحرافات اجتماعی فراهم می‌سازد (امیری‌راد، ۱۳۸۷، ص ۴). در بیشتر موارد مشکل نوجوانان در فهم مطالب آموختنی نیست بلکه در بی‌انگیزه بودن آن‌ها نسبت به تحصیل است و این خود مانع یادگیری آن‌ها می‌شود. داشتن انگیزه مناسب دانش‌آموزان را برای انجام رفتاری که مورد نظر مربی است آماده می‌نماید و برعکس نداشتن انگیزه احتمال وقوع رفتارهای مورد انتظار را در آن‌ها کاهش می‌دهد تا آنجا که باعث حذف موقت و حتی دائم آن رفتارها خواهد شد.

در مدارس امروز، تلاش برای برقراری ارتباط با دانش‌آموزانی که علاقه به یادگیری را از دست داده‌اند یا با ناکامی‌هایی روبه‌رو شده است که ناشی از کمبود وقت، زیادی عده دانش‌آموزان دارای نیازهای هیجانی و یادگیری و سایر موقعیت‌های ایجادکننده فشار روانی است. این مقاله می‌تواند مبنایی را در اختیار تان قرار دهد که ممکن است باعث تغییر شود.

کلیدواژه‌ها: انگیزه تحصیلی، کیفیت آموزشی، افت تحصیلی، محیط آموزشی، انگیزش

انگیزش^۱

چرا از خود رفتاری را نشان می‌دهیم؟ مثلاً چرا به دنبال غذا، آب، شهرت، کسب قدرت، پذیرش اجتماعی و جمع‌آوری مال می‌رویم؟ چرا در اغلب اوقات فعال هستیم و لحظه‌ای نیز نمی‌توانیم آرام باشیم؟ به قول اقبال لاهوری، چرا «ما زنده به آنیم که آرام نگیریم» و قول شهریار، چرا «پای عاشق نتوان بست به افسون و فسانه» و بسیاری چراهای دیگر.

برای پاسخگویی به سؤال‌های بالا چاره‌ای نداریم جز اینکه بپذیریم عواملی وجود دارند که نه تنها ما را به فعالیت وامی‌دارند بلکه فعالیت ما را به سوی هدف خاصی سوق می‌دهند. روان‌شناسان این عوامل را انگیزه می‌نامند. انگیزه، در زندگی موجود زنده، جایگاه بسیار مهمی دارد و اولین عنصر تشکیل‌دهنده رفتار است: دانشجویی را وادار می‌کند تا ساعت‌ها به مطالعه روان‌شناسی بپردازد، دانشجوی دیگری در آزمایشگاه به کشف و مشاهده میکروب‌ها مشغول شود، دانشجوی سوم به ورزش یا هنر روی آورد و... انگیزه است که یکی را به کسب ثروت وامی‌دارد و دیگری را در جهت خدمت به مردم سوق

افزایش انگیزش و
انگیزه تحصیلی در
دانش‌آموزان

انگیزش
تحصیلی

انگیزه تحصیلی
و راهکارهای
افزایش انگیزش در
دانش‌آموزان

رضا گودرزی

دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی

می دهد. بنابراین، مطالعه انگیزه ها از اهمیت خاصی برخوردار است.

تعریف انگیزش

هر وقت بحث انگیزه یا انگیزش پیش می آید معمولاً این سؤال برای دانشجویان مطرح می شود که انگیزه با انگیزش چه تفاوتی دارد. از نظر دستور زبان فارسی، انگیزه اسم و انگیزش اسم مصدر از مصدر انگیزختن است. در لغت نامه دهخدا، انگیزختن یعنی به حرکت درآوردن، چنان که حافظ می گوید:

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد

من و ساقی به هم سازیم و بنیادش براندازیم

انگیزه یعنی سبب، علت و آنچه کسی را به کاری وادار کند. انگیزش یعنی تحریک و ترغیب. بنابراین، همان طور که در بالا اشاره کردیم، انگیزه یک عامل درونی است که انسان یا، به طور کلی موجود زنده را به حرکت درمی آورد و انگیزش حالتی است که در اثر دخالت انگیزه به موجود زنده دست می دهد. برای مثال، می توان گفت کمبود مواد غذایی بدن یا نیاز به غذا، انگیزه و حالت گرسنگی یا احساس گرسنگی، انگیزش است. کمبود آب بدن یا نیاز به آب، انگیزه و احساس تشنگی یا حالت تشنگی، انگیزش است. نیاز به جنس مخالف، انگیزه و عاشق شدن و احساس تمایل به جنس مخالف، انگیزش است. در این رابطه، تلاش موجود زنده برای به دست آوردن غذا، آب یا جنس مخالف، رفتار نامیده می شود.

فرق انگیزه با انگیزش تا اندازه ای مثل فرق محرک با تحریک است. می دانیم تحریک حالتی است که در اثر دخالت یک محرک به وجود می آید، مانند انقباض و انبساط مردمک چشم، ترشح بزاق، لرزش پرده گوش، لرزیدن و عرق کردن که حالت هایی از تحریک را منعکس می کنند و در اثر محرک های نور، غذا، صدا، سرما و گرما به وجود می آیند. گرسنگی و تشنگی، حالت هایی از انگیزش هستند که در اثر دخالت انگیزه های نیاز به آب و غذا تجلی می کنند. اما انگیزش با تحریک تفاوت هایی دارد که در زیر به برخی از آن ها اشاره می کنیم.

فرق انگیزش با تحریک

گفتیم که محرک موجب تحریک می شود. بنابراین، محرک نیز مثل انگیزه موجود زنده را به حرکت درمی آورد. مثلاً وقتی صدایی می شنویم، به طرف آن بر می گردیم، وقتی نور شدیدی به چشم های ما می تابد روی از آن بر می گردانیم یا پلک ها را روی هم می گذاریم تا از ورود نور زیاد به چشم ها جلوگیری کنیم. وقتی مورد حمله یک سگ قرار می گیریم، فرار می کنیم و در جایی پنهان می شویم یا به مقابله بر می خیزیم. وقتی به شدت می ترسیم یا به شدت سردمان می شود مثل بید بر خود می لرزیم. حال این سؤال پیش می آید که فرق انگیزه با محرک (که هر دو ارگانیسم را به تحرک و می دارند) و فرق انگیزش با تحریک (که هر دو حالت هایی از ارگانیسم را منعکس می کنند) چیست؟

در روان شناسی، انگیزه و انگیزش را معمولاً زمانی به کار می برند که رفتار فرد از درون هدایت شود. وقتی از باز و بسته شدن مردمک چشم در اثر نور صحبت می کنیم، وقتی از ترشح بزاق در اثر قرار گرفتن غذا در دهان حرف می زنیم یا از لرزش پرده گوش در اثر صدا

انگیزه یک عامل درونی است که انسان یا، به طور کلی موجود زنده را به حرکت در می آورد و انگیزش حالتی است که در اثر دخالت انگیزه به موجود زنده دست می دهد

سخن می گوئیم، صحبت از انگیزش نیست، زیرا همه این حالت ها را محرک های بیرونی راه می اندازند. تا زمانی که نور، غذا و صدا وجود داشته باشند، مردمک چشم، غده بزاقی و پرده گوش، مثل آدمک های خیمه شب بازی عمل خواهند کرد و هیچ نوع استقلال و خودمختاری نخواهند داشت.

رفتار حیوانات سطوح پایین، تقریباً به صورتی است که محرک های بیرونی آن ها را هدایت می کند. اما به تدریج که در مقیاس تکاملی حیوانات بالاتر می آئیم، رفتارهایی که یادآور رفتارهای آدمک های خیمه شب بازی باشند در آن ها کمتر می شود. حیوانات سطوح بالا (انسان و میمون) را بیشتر حالت فیزیولوژیک آن ها، یعنی حالتی که دائماً در حال تغییر است، ضبط عصبی تجربه های گذشته اداره می کنند. به سخن دیگر، رفتار حیوانات سطوح بالا و مخصوصاً رفتار انسان، تنها به کمک محرک های بیرونی (محرک هایی که به طور دائم حضور دارند) هدایت نمی شود بلکه براساس نیازهای فیزیولوژیک و براساس آثار ضبط شده تجربه های قبلی در دستگاه عصبی (یادگیری) هدایت می شود. بنابراین نمی توان گفت کودکی که مثلاً در کنار چشمه ایستاده است حتماً آب خواهد خورد، مگر اینکه از تشنه بودن او خبر داشته باشیم. همچنین نمی توان، تنها با مشاهده کودکی که به آتش نزدیک می شود، پیش بینی کرد که او خواهد سوخت یا آسیبی نخواهد دید، مگر اینکه از تجربه قبلی او درباره آتش اطلاع داشته باشیم. بدین ترتیب، اولین فرق انگیزش با تحریک این است که انگیزش در اثر دخالت در عوامل درونی به وجود می آید اما تحریک معمولاً محصول دخالت عوامل بیرونی است. فرق دوم انگیزش با تحریک این است که عوامل ایجادکننده تحریک (نور، صوت، سرما، گرما) مستقیماً قابل مطالعه است اما مطالعه مستقیم عوامل ایجادکننده انگیزش با عوامل درونی رفتار امکان پذیر نیست. همان طور که فیزیکی دانان نمی توانند نیروی جاذبه زمین را مستقیماً مطالعه کنند بلکه تعدادی از پدیده ها را مورد مشاهده قرار می دهد و نیروی جاذبه زمین را از آن ها استنتاج می کند، روان شناس نیز تنها می تواند از روی رفتار فرد به نیروهای محرکه او پی ببرد.

فرق سوم اینکه هر تحریکی معمولاً در اثر محرک معینی به وجود می آید، مثلاً گذاشتن غذا در دهان موجب ترشح بزاق می شود، اما یک انگیزش معین ممکن است انگیزه های مختلفی داشته باشد. برای مثال، ممکن است یک قتل نتیجه خشم، ترس، طمع، عشق یا انگیزه های دیگر باشد.

فرق چهارم را می توانیم به این صورت بیان کنیم که یک انگیزش معین، برخلاف تحریک، ممکن است به شیوه های مختلف تجلی کند. مثلاً فردی که برای کسب شهرت و شناساندن خود انگیزش پیدا کرده است، می تواند تمایل یا آرزوی خود را با علاقه مندی به

نظریه‌های انگیزه معاصر انگیزه را ظرفیتی طبیعی می‌دانند که در همه دانش آموزان به‌طور بالقوه وجود دارد. لذا نیاز به پرورش یافتن دارد تا بنیان نهادن

خطر می‌اندازند. حال از انگیزه‌هایی صحبت می‌کنیم که ظاهراً با فیزیولوژی بدن ارتباط ندارند بلکه در طول زندگی و به مرور آموخته می‌شوند. اینکه انگیزه‌ها چگونه آموخته می‌شوند، چرا برخی قوت بیشتری دارند و برخی ضعیف هستند، ایجاب می‌کند تا راه‌های یادگیری را دوباره بررسی کنیم. این کار در مباحث مربوط به یادگیری انجام گرفته است، بنابراین نیازی نیست که آن‌ها را دوباره تکرار کنیم.

انگیزه‌های اجتماعی به‌طور عمده تحت تأثیر اجتماعی که فرد در آن رشد کرده است قرار دارند و تنها به‌طور غیرمستقیم نیازهای زیستی او را برطرف می‌کنند. وقتی انگیزه‌های اجتماعی انسان را به دقت بررسی می‌کنیم، ریشه‌های آن‌ها را در تاریخ زندگی، در آنچه برای او اتفاق افتاده است می‌یابیم. آثار تجربه‌های قبلی انسان در دستگاه عصبی او ضبط می‌شود و تفاوت‌های موجود در این ضبط شده است که تفاوت‌های انگیزشی را به‌وجود می‌آورند.

به علت همین تفاوت‌های تجربه‌های قبلی است که فردی مثل پاستور بسیاری از اوقات خود را در آزمایشگاه سپری می‌کند و فعالیت‌های دیگر و لذت بردن از سایر خوشی‌های زندگی را به دست فراموشی می‌سپارد، و یا فرد دیگری مانند مرحوم غلامرضا تختی، یا عبدالله موحّد، سال‌ها به تمرین‌های خسته‌کننده کشتی تن می‌دهند. به علت تفاوت در اجتماعات و تفاوت در یادگیری‌هاست که مثلاً پزشکی تا دست‌مزد خود را قبلاً نگیرد بیمار را معاینه نمی‌کند یا تحت عمل جراحی قرار نمی‌دهد و در عوض پزشک دیگری مثل آلبرت شوایتز تمام امکانات خود را برای خدمت به سیاه‌پوستان محروم آفریقا صرف می‌کند. به علت تفاوت اجتماعات و به علت تفاوت در زندگی گذشته است که یکی به شعر و موسیقی علاقه‌مند می‌شود و دیگری به طبیعت روی می‌آورد. به علت تفاوت در یادگیری‌هاست که به قول باباطاهر «گروهی این، گروهی آن پسندند» و به قول سعدی «معشوق من است آنکه به نزدیک تو زشت است». تعداد انگیزه‌های اجتماعی زیاد است، در نتیجه مجبوریم به برخی از آن‌ها اشاره کنیم.

انگیزه تحصیلی:

نظریه‌های انگیزه معاصر انگیزه^۲ را ظرفیتی طبیعی می‌دانند که در همه دانش آموزان به‌طور بالقوه وجود دارد. لذا نیاز به پرورش یافتن دارد تا

ورزش، جمع‌آوری پول، انجام دادن کارهای نوع‌دوستانه، نوشتن کتاب، چاپ کردن مقاله‌های جنجال‌برانگیز، مخالفت با سنت‌ها و عادات عمومی و... نشان دهد. او ممکن است بگوید «برای آنچه انجام می‌دهم تنها یک انگیزه دارم و می‌خواهم شناخته شوم». حتی امکان دارد که انگیزه‌های اصلی رفتار فرد معلوم نشود، در این صورت از انگیزه‌های ناآگاه صحبت به میان می‌آید. انگیزه‌های اصلی معمولاً زمانی در پرده ابهام می‌مانند که فرد نخواهد واقعیت را آشکار کند. البته در این گونه مواقع نیز با کمی دقت به کل زندگی فرد، می‌توان انگیزه یا انگیزه‌های اصلی او را تشخیص داد.

فرق پنجم انگیزش با تحریک، ادواری بودن انگیزش است. یعنی وقتی ارگانیسم به غذا، آب و جنس مخالف نیاز پیدا می‌کند، فعالیت‌های خود را در جهت برطرف کردن آن سازمان می‌دهد و پس از آنکه نیاز برطرف شد، فعالیتش را موقتاً قطع می‌کند تا اینکه دوباره آن را از سر بگیرد. اما تحریک، حالت ادواری ندارد. تا زمانی که نور وجود داشته باشد، باز و بسته شدن مردمک چشم نیز وجود خواهد داشت.

طبقه‌بندی انگیزه‌ها

می‌توان انگیزه‌ها را به دو گروه عمده تقسیم کرد:

فیزیولوژیک و اجتماعی.

الف. انگیزه‌های فیزیولوژیک یا اولیه، یعنی انگیزه‌هایی از نیازهای زیستی موجود زنده ناشی شده‌اند و جنبه ذاتی دارند، مثل گرسنگی، تشنگی و نیازهای جنسی. انگیزه‌های فیزیولوژیک را سابق‌های فیزیولوژیک یا انگیزه‌های حیوانی نیز می‌نامند چون بین انسان و حیوان مشترک هستند. این گروه از انگیزه‌ها از اصل تعادل حیاتی ناشی می‌شوند و هدف آن‌ها حفظ موجودیت ارگانیسم است.

ب. انگیزه‌های اجتماعی یا ثانویه، یعنی انگیزه‌هایی که نیاز زیستی را برطرف نمی‌کنند بلکه در اثر یادگیری به‌وجود می‌آیند، مثل انگیزه‌های کسب قدرت، مقام، مال، پیشرفت، پذیرش اجتماعی، تسلط طلبی، خوش آمدن از یک رنگ معین، جمع‌آوری تمبر و... این گروه از انگیزه‌ها را انگیزه‌های اکتسابی نیز می‌نامند. حال هر یک از انگیزه‌های فیزیولوژیک و اجتماعی را بیشتر توضیح می‌دهیم.

انگیزه‌های فیزیولوژیک یا اولیه

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره کردیم، انگیزه‌ها یا سابق‌های فیزیولوژیک نیازهای زیستی موجودات زنده را برطرف می‌کنند و هدف آن‌ها حفظ موجودیت ارگانیسم است. انگیزه‌های فیزیولوژیک اصلی عبارتند از گرسنگی، تشنگی، نیاز جنسی، خواب، احساس مادری و اکتشاف.

انگیزه‌های اجتماعی یا ثانویه

تا اینجا از انگیزه‌هایی صحبت کردیم که اساس فیزیولوژیک دارند و می‌توان گفت که ذاتی و عمومی هستند. این انگیزه‌ها در مجموع از به هم خوردن تعادل بدن به‌وجود می‌آیند و موجب می‌شوند تا ارگانیسم به تلاش بیفتد و تعادل خود را برقرار کند. حتی برخی از آن‌ها، در صورت ارضا نشدن، موجودیت ارگانیسم یا نوع آن را به

بنیان نهادن (ابراهیمی قوام، ۱۳۸۴). با توجه به چنین دیدگاهی دانش آموزانی که به نظر می رسد فاقد انگیزه یادگیری اند، می توانند مجدداً این ظرفیت طبیعی را به دست آورند و آن را به طرق مثبت رشد و گسترش دهند تا به اهداف شخصی خود دست یابند.

کیفیت آموزشی: محتوای کتب درسی دوره های مختلف تحصیلی که باید به گونه ای تألیف شده باشند که با ذوق و سلیقه و نیازهای مادی و معنوی دانش آموز مطابقت داشته باشند یعنی کارشناسان باید با روان شناسی گروه سنی خاصی که برای آن ها دست به قلم می برند آشنا باشند.

افت تحصیلی: عملکرد کمتر از حد انتظار که بر اثر بی انگیزگی به وجود می آید.

محیط آموزشی: فضای آموزشی اعم از دبیرستان، مدارس راهنمایی، نور محیط، حرارت، محیط، شلوغی کلاس ها، نزدیکی مراکز آموزشی به کارخانه ها، این ها از مسائل مهمی است که باید در رابطه با تأسیس فضاهای آموزشی در نظر گرفته شود.

تاریخچه

انگیزش را می توان به عنوان یک فرایند مداخله کننده یا حالت درونی جاندار دانست که او را وادار یا ترغیب به عمل می کند (ربر ۱۹۹۵، به نقل از کریمی، ۱۳۸۲) به نظر شانگ^۲ (۱۹۹۰) انگیزش فرایندی است که رفتار هدف گرا از طریق آن راه اندازی و نگهداری می شود (واینر^۳، ۱۹۹۰) «انگیزش غالباً از یادگیری استنباط می شود و معمولاً برای روان شناسی پرورشی، یادگیری نشانه انگیزش است». موسوی شوشتری و همکاران (۱۳۷۰) در

تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری فردی - اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر پایه سوم راهنمایی مدارس اهواز» نشان دادند که بین جو عاطفی خانواده و معدل دانش آموز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در این تحقیق همبستگی میان تشویق و معدل $r=0.29$ بوده است.

نرمانی (۱۳۷۲) به همبستگی بالایی بین نگرش معلمان نسبت به دانش آموزان و درصد قبولی آن ها در کلاس اشاره می کند. همچنین معلمانی که نگرش مثبت تری نسبت به دانش آموزان داشته اند از محبوبیت افزون تری نیز برخوردار بوده اند.

در تحقیق شکر کن (۱۳۷۴) با عنوان «تأثیر الگوی تحصیلی دانش آموزان کلاس چهارم شهر دزفول» این نتیجه که «الگوی فعال تحصیلی موجب افزایش عملکرد تحصیلی می شود» به دست آمده است.

در تحقیقی با عنوان «بررسی دلایل کاهش انگیزه تحصیلی دانش آموزان شهرستان های استان تهران» (مرادی ۱۳۸۰) این نتیجه حاصل شد که بین خودپنداره و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، رابطه معناداری وجود دارد. میان استناد به منبع کنترل پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد. بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد. بین اضطراب و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد. فلمگان^۵ (۱۹۷۰)، در مورد ۲۵ درصد از باهوش ترین ولی فقیرترین کودکان، تحقیقی انجام داد که نتیجه آن نشان می دهد بسیاری از دانش آموزان با استعداد که از نظر اقتصادی موقعیت بدی دارند، برنامه تحصیلی خود را به پایان نمی برند. در پژوهش های مختلف تلاش هایی برای شناسایی عوامل مؤثر بر کاهش انگیزه های تحصیلی صورت گرفته است.

طرح مسئله

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در مقاطع مختلف مستلزم داشتن انگیزه های قوی و نیرومند است؛ انگیزه هایی که بتواند تحرک و پویایی لازم را برای فعالیت های فردی و گروهی دانش آموزان برانگیزد. در وهله اول به نظر می رسد که انگیزه تحصیلی یک امر فردی است و هر دانش آموزی با توجه به شخصیت خود و تمایلات و خصوصیاتش، دارای برخی انگیزه ها می باشد، در حالی که واقعیت این است که انگیزه تحصیلی تنها یک مسئله فردی نیست که صرفاً از بعد روان شناختی قابل مطالعه باشد. بلکه این پدیده دارای بعدی اجتماعی است. محیط، اطرافیان، پدر و مادر، معلم و سایر افراد و گروه هایی که دانش آموز با آن ها به نحوی برخورد دارد، در ایجاد، پرورش و تحکیم انگیزه های تحصیلی وی مؤثرند. این اثر پذیرش دانش آموز از افراد و موقعیت ها مختلفی که او را احاطه کرده اند، ناشی می شود.

محیط و عوامل و شرایط موجود در آن، به عنوان محرک اساسی، در انگیزه های تحصیلی نقش دارد. از طرف دیگر، شخصیت خود دانش آموز، خلیات، منش و روحیات فردی هم در این امر مؤثر است. شخصیت فردی نیز در داخل جامعه و تحت تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی شکل گرفته، پرورش و تکوین می یابد. برای فهمیدن اینکه انگیزه های تحصیلی چگونه و تحت چه



نمی تواند
به این جایگاه نایل شود، بلکه چه
بسا در اثر فشارهای مختلف
محیطی مبتلا به برخی
حالت های نامتعادل
روحي گردد.

ب. مدرسه: مدرسه
بعد از خانواده دومین نهادی
است که بسیاری از رفتارهای دانش آموزان در آن
شکل می گیرد. نهاد مدرسه فرایندی است که در آن تجارب
آموزشی، نگرش ها و موفقیت ها یا شکست ها جامه عمل
به خود می پوشد مک لند^۱، ۱۹۸۶. شرایط آموزشی
موجود در مدرسه، رفتار مدیر و معلمان و نحوه یادگیری و
آموزش، همه عواملی هستند که می توانند در انگیزه های
تحصیلی دانش آموزان نقش داشته باشند. دانش آموز علاوه بر اینکه
در مدرسه به آموزش مسائل و موضوعات علمی می پردازد، اثرات
تربیتی نیز از آن دریافت می کند. دانش آموز ممکن است رفتار و
حرکات و یا طرز فکر و بینش معلم را به عنوان الگویی آرمانی برای
خود انتخاب کند. در این صورت شدیداً تحت تأثیر وی قرار خواهد
گرفت. معلم می تواند انگیزه هایی را در دانش آموزان به وجود آورد و یا
انگیزه هایی را در آنان از بین ببرد. از آنجا که رفتار و شخصیت معلم
را هم باید در چارچوب فضای زندگی وی در نظر گرفت، به همین
جهت تأثیر معلم روی دانش آموزان در رابطه با عوامل محیطی و
اجتماعی قرار می گیرد. معلمی که نتواند در جامعه پایگاه اجتماعی
مناسبی به دست آورد و رفتار انواع مشکلات زندگی است، نخواهد
توانست در ایفای رسالت واقعی خود موفق شود. چه بسا رفتار
چنین معلمی موجب یأس و ناامیدی و دلسردی دانش آموزان شود.

ج. رسانه های گروهی: وسایل ارتباط جمعی اعم از رادیو،
تلویزیون، سینما، روزنامه ها و نشریات یکی دیگر از منابعی است که
می تواند در ایجاد انگیزه های تحصیلی نقش داشته باشد.

پیام هایی که دانش آموز از طریق این رسانه ها دریافت می کند در
طرز فکر، رفتار و حرکات او مؤثر خواهد بود. این رسانه ها می توانند با
آگاه ساختن دانش آموزان از نیازهای جامعه، انگیزه های متناسبی
را در آنان به وجود آورند. اجرای برنامه های مختلف آموزشی، بالا
بردن سطح آگاهی و معلومات عمومی دانش آموزان و نشان دادن
فیلم های آموزنده می تواند در این راستا مؤثر باشد. باید توجه داشت
که پیام وسیله ارتباطی در مجموعه ای جای می گیرد که محیط
اجتماعی خرد خواننده می شود. بنابراین چنان که پیام صادر شده
با محیط پیرامون خود تجانس نداشته باشد، امکان دفع آن بیشتر
خواهد بود (ساروخانی، ۱۳۷۱).

انگیزه های تحصیلی را برحسب تأثیری که از ساخت اجتماعی و
نهادهای مختلف جامعه پذیرا می شوند، می توان به دو دسته تقسیم
نمود:

۱. انگیزه تحصیلی با جهت گیری فردی

شرایطی
به وجود می آید، باید
فضای زندگی دانش آموز و عوامل مهم مؤثر در آن را مطالعه
کنیم. عوامل مختلفی می توانند فضای زندگی را تحت تأثیر قرار
دهند که عمده ترین آن ها عبارت اند از:

الف. خانواده: محیط خانواده از نظر بعد خانوار، سطح تحصیلات
پدر و مادر، روحیات و اخلاق پدر و مادر، رفتار و برخورد برادران و
خواهران در انگیزه تحصیلی دانش آموز مؤثر است.
خانواده اولین کانونی است که عهده دار پرورش و شکوفایی
شخصیت فرد است. انگیزه تحصیلی به عنوان یک متغیر تحت
تأثیر این کانون قرار دارد. دانش آموزی که در خانواده ای بی سواد
یا کم سواد بزرگ می شود، از لحاظ انگیزه تحصیلی طبیعتاً با
دانش آموزی که در خانواده ای با تحصیلات عالی تربیت می شود،
متفاوت خواهد بود. صرف نظر از شرایط مختلفی که از لحاظ
آموزشی، اقتصادی و فرهنگی در خانواده وجود دارد، نکته مهمی
که باید به آن اشاره شود، همخوانی بین انتظارات پدر و مادر و
توانایی هایی است که در فرزند خود سراغ دارند. برای ایجاد این
همخوانی لازم است حداقل دو نکته زیر مورد توجه والدین قرار
گیرد:

۱. داشتن درکی روشن و عمیق از توانایی های فرزندان خود در
زمینه های گوناگون شامل جنبه های فیزیکی، عاطفی، ذهنی،
اجتماعی و اخلاقی
۲. استنباط و روشن بینی والدین نسبت به تمایلات و علایق آن ها
(شرفی، ۱۳۷۲).

والدین اگر خواهان این هستند که فرزندی سالم و متعادل برای
جامعه تربیت کنند، باید به توانایی های مختلف وی توجه نموده
و براساس آن انگیزه هایی متناسب در آنان ایجاد کنند. با اینکه
انگیزه تحصیلی قوی موجب پیشرفت درسی می شود ولی سرکوب
شدن انگیزه ها به دلیل عدم توانایی ذهنی و عقلی می تواند عوارض
روحي و روانی به دنبال داشته باشد. والدینی که بدون در نظر گرفتن
استعداد، علاقه و بهره هوشی فرزندشان فقط از وی انتظار دارند به
هر طریقی که شده، پزشک یا مهندس تربیت شود، در واقع نسبت
به فرزند خود بی عدالتی روا می دارند. در چنین حالتی نه تنها او

روش‌های تدریس خود را متنوع کنید. تنوع در یادگیری، دانش‌آموزان کلاس و انگیزه آن‌ها را دوباره برمی‌انگیزد. روش تثبیت شده را با در هم آمیختن فعالیت‌ها و متدهای آموزش در کلاس خود بشکنید

بزنند و مقتضیات تکالیف را با ظرفیت‌هایشان هماهنگ سازند.

۲. انگیزش دانش‌آموزان در صورتی افزایش می‌یابد که دریابند تکالیف یادگیری به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با نیازها، علایق و اهداف شخصی آن‌ها مرتبط است و سطوح دشواری آن به گونه‌ای است که می‌توانند به‌صورتی موفقیت‌آمیز آن‌ها را انجام دهند (همان). بنا به نظریهٔ اتکینسون^۴ (۱۹۵۷)، اشخاص در انجام تکالیفی که دارای درجه دشواری متوسط‌اند توفیق زیادی به‌دست می‌آورند. یعنی تکالیفی که انجام دادن آن‌ها مستلزم قدری خطر کردن است (سیف، ۱۳۸۷).

۳. انگیزش ذاتی دانش‌آموزان به یادگیری می‌تواند در محیطی امن، اعتماد بخش و حمایت‌گرا به‌پرورش یابد، که دارای این ویژگی‌ها باشد:

الف. بزرگسالان، در روابط کیفی توأم با توجه، توانمندی‌های بالقوه جوانان را دریابند.

کیفیت روابط بین بزرگسالان و جوانان اساس برنامه‌های موفق است. از این‌رو، به والدین، معلمان و سایر افراد مؤثر در زندگی دانش‌آموزان توصیه می‌شود که تجارب یادگیری و آموزشی مثبت را به گونه‌ای با ملاحظه، دلسوزانه و احترام‌آمیز برای دانش‌آموزان فراهم سازند، که آنان از احساس شایستگی و داشتن کنترل بر شرایط برخوردار شوند. به‌عنوان مثال برای آنکه معلمان بر خلاقیت و انعطافی که لازمهٔ کار معنادار با دانش‌آموزان است، تسلط یابند، باید توسط کارکنان و مسئولان اجرایی مدرسه، مورد احترام و حمایت قرار گیرند. بنابراین اصل توانمندسازی ناشی از روابط دو جانبه برای همه افراد درگیر در سیستم صدق می‌کند.

ب. نیازهای منحصر به فرد دانش‌آموزان از نظر یادگیری و آموزشی مورد حمایت قرار گیرد.

ج. فرصت‌هایی برای خطر کردن (ریسک‌پذیری)، بدون ترس از شکست خوردن، برای دانش‌آموزان فراهم شود.

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که بخشی از ضرورت‌های ایجاد فضای امن و مطمئن برای دانش‌آموزان، بر ساختارهای غیر رقابتی - مشارکتی و آن نوع اهداف آموزشی تأکید دارد که مغایر با ساختارهای رقابت‌آمیز است. تحقق اهداف نباید به‌صورتی باشد که در بازی یادگیری، برخی دانش‌آموزان برنده و برخی دیگر بازنده باشند (ابراهیمی قوام، ۱۳۸۴).

۵. انگیزهٔ دانش‌آموزان برای تحصیل در صورتی افزایش می‌یابد که به آن‌ها کمک شود تا خود را درک کنند و به خویشتن خویش احترام بگذارند. دانش‌آموزانی وجود دارند که پس از شکست‌های پیاپی در یادگیری، به خودپندارهٔ ضعیفی از خود دست می‌یابند و بین این موفقیت‌ها و اعمال خود رابطهٔ نزدیکی نمی‌بینند و تمام شکست‌های خود را به فقدان توانایی نسبت می‌دهند. در نتیجهٔ چنین دیدگاهی،



۲. انگیزهٔ تحصیلی با جهت‌گیری جمعی انگیزهٔ تحصیلی با جهت‌گیری فردی بیشتر در جوامع فردگرا دیده می‌شود. در این نوع جوامع فرد به‌عنوان محور اصلی فعالیت‌های اجتماعی به حساب می‌آید. به همین خاطر انگیزه‌های فردگرایانه در دانش‌آموزان تقویت می‌شود. درس خواندن برای رسیدن به موقعیت، جاه و جلال، ثروت و درآمد ارزش و مفهوم پیدا می‌کند. تشویق و تقویت انگیزه‌های فردگرایانه باعث می‌شود که دانش‌آموزان افرادی خود رأی، خودمحور و سودجو تربیت شوند. انگیزه تحصیلی با جهت‌گیری جمعی در جوامع جمع‌گرا مشاهده می‌شود. در این نوع جوامع محور اساس فعالیت‌های اجتماعی، مصالح جمعی و منافع عمومی است به‌همین سبب انگیزه‌های جمع‌گرایانه و روحیهٔ مردم‌دوستی در دانش‌آموزان تقویت می‌شود. انگیزه‌های اساسی درس خواندن خدمت به مردم و جامعه، حفظ روحیه همکاری و تعاون و کمک به حفظ انسجام اجتماعی می‌باشد. تقویت انگیزه‌های جمع‌گرایانه نه تنها باعث می‌شود که دانش‌آموز از همان عنفوان جوانی با جامعه و نهادهای مختلف آن پیوند بخورد بلکه او را از خودمحوری و سودجویی‌های فردی دور نگه می‌دارد.

راهکارهایی برای افزایش انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان چگونه می‌توان انگیزه دانش‌آموزان را به تحصیل افزایش داد

برخی از اصول اساسی به دست آمده از تحقیقات انجام شده در این مورد عبارت‌اند از:

۱. دانش‌آموزان از طریق شرایط و یادگیری فعالیت‌هایی برانگیخته می‌شوند که به آن‌ها اجازه می‌دهد دست به انتخاب‌های شخصی

شکل می‌دهند (نعمتی، ۱۳۸۶). از این رو، شکل‌گیری رویکرد سطحی مطالعه برای به دست آوردن نمرات قبولی و گذراندن امتحانات کلاسی باعث کاهش انگیزه دانش‌آموزان خواهد شد.

۷. خلق فضای مثبت یادگیری، کمک به دانش‌آموزان در تعیین اهداف و علایق، معرفی الگوهای مناسب و الگوسازی و سرمشق‌دهی و به کارگیری تشویق‌های مناسب (بیرونی و درونی) از دیگر راهبردهای مناسب برای ترغیب دانش‌آموزان به تحصیل است.

تغییر دیدگاه‌ها درباره نقش معلمان

براساس دیدگاه‌های رایج یادگیری، مسئولیت به‌یادسپاری و کاربرد اطلاعات، به گونه‌ای که تغییرات دایمی در دانش‌ها و مهارت‌ها را به‌وجود آورد؛ با دانش‌آموزان است. دانش‌آموزان، یادگیرندگانی خودهدایت‌گر^۸، خودنظم‌بخش^۹ و خودانگیخته^{۱۰} در نظر گرفته می‌شوند که از لحاظ اشتیاق و توانایی متفاوت‌اند و معلم نقشی مهم در پرورش دادن و افزایش انگیزه طبیعی آنان برعهده دارد (همان).

تقویت خودبرانگیزی دانش‌آموزان

از پیام‌هایی که قدرت شما را به‌عنوان معلم تقویت می‌کند و از تأکید بر جایزه‌های بیرونی خودداری کنید. به‌جای اینکه بگویید: «من لازم دارم»، «شما باید» یا «شما بهتر است» از جملاتی مانند «شما در خواهید یافت» یا «من به عکس‌العمل شما علاقه‌مندم» استفاده کنید (لومن^{۱۱} ۱۹۹۰).

از ایجاد رقابت سخت در بین دانش‌آموزان اجتناب کنید

رقابت باعث ایجاد اضطراب می‌شود و می‌تواند با یادگیری تداخل کند. تمایل دانش‌آموزان برای مقایسه خودشان با دیگری را کاهش دهید. بلای (۱۹۷۱) عنوان کرد: دانش‌آموزان زمانی که با همدیگر در گروه کار می‌کنند، بیشتر علاقه‌مند هستند، فهم بیشتری نشان می‌دهند، کار بیشتری انجام می‌دهند، و بیشتر برای روش‌های آموزشی مطلوب تلاش می‌کنند تا اینکه با هم رقابت کنند. از انتقاد در جمع از عملکرد دانش‌آموزان و یا اعمالی که دانش‌آموزان را در برابر هم کوچک می‌کند خودداری کنید (ابل ۱۹۸۸، فورسیت و مک میلان ۱۹۹۱).

در مورد موضوع خود باشوق و ذوق باشید

یک معلم باشوق و ذوق عاملی مؤثر و قطعی در برانگیختن انگیزه دانش‌آموزان است. اگر معلم خسته یا بی‌حس شده باشد دانش‌آموزان هم همین‌گونه خواهند شد. به‌صورت تپیک، لذت اصلی در درس دادن است. اگر شما خودتان را در مورد مواد درسی بی‌علاقه یافتید، فکر کنید چه چیزی شما را به اینجا جذب کرده است و آن جنبه‌ها را علت اصلی برای زندگی به خاطر دانش‌آموزان خودتان به یاد آورید. یا خودتان را برای یافتن شیوه‌هایی که جالب‌ترین روش برای ارائه درس هستند به زحمت ببندازید، هر چند که درس برای شما خیلی گنگ باشد.

این دانش‌آموزان دست از تلاش و کوشش برمی‌دارند و به این نتیجه می‌رسند که تلاش‌های آن‌ها فایده‌ای نخواهد داشت. از این رو، معلمان باید به این دانش‌آموزان آموزش دهند که ممکن است تفسیرهایشان واقعیت نداشته باشد و لازم است سایر احتمالات را هم در نظر بگیرند. در نتیجه تغییر این دیدگاه و آموزش تغییر تفسیر واقعیت‌ها، شکست در دانش‌آموزان را باید از فقدان توانایی به فقدان کوشش در آن تغییر دهند (سیف، ۱۳۸۷).

۶. تشویق دانش‌آموزان به استفاده از رویکرد عمقی مطالعه:

چنانچه تکالیف و خواست‌های آموزشی و محیط اجتماعی دانش‌آموزان، گرایش به رویکرد سطحی مطالعه را تشویق کنند؛ یادگیرندگان نیز براساس این خواست‌ها رویکرد مطالعه خود را

برنامه درسی را برای انگیزتن انگیزه دانش آموزان بسازید

با قدرت و علاقه دانش آموزان کار کنید. بیایید که چرا دانش آموزان در کلاس شما شرکت می کنند. در مورد موضوع چه احساسی دارند، و انتظارات آن ها چیست. سپس سعی کنید تا مثال ها، قضیه ها، یا تکالیفی را که مرتبط با محتویات کلاس است برای علاقه و تجربه دانش آموزانتان بسازید. مثلاً استاد شیمی مقداری از زمان درس را برای آزمایش سهم شیمی در حل مشکلات محیط صرف کند. شرح دهید که محتویات و موضوعات کلاس شما به دانش آموزان برای دستیابی به اهداف آموزشی، حرفه ای یا شخصی آن ها کمک خواهد کرد (بروسک^{۱۲} ۱۹۷۶، کاشین^{۱۳} ۱۹۷۹، فوساس^{۱۴} ۱۹۹۰). چه زمانی احتمال، به دانش آموزان اجازه می دهد تا در مورد انتخاب موضوع مورد مطالعه نظر بدهند. به دانش آموزان درباره ورقه های نرم یا سایر تکالیف (اما نه امتحانات) گزینه هایی برای انتخاب بدهید. به دانش آموزان اجازه بدهید تا در بین موقعیت برای سفر علمی تصمیم بگیرند یا آن ها را مجبور کنید تا انتخاب کنند که چه موضوعی را بیشتر کاوش کنید. اگر ممکن است واحدهایی انتخابی یا جایگزین را در درس ها قرار دهید. ایمز و ایمز^{۱۵} ۱۹۹۰، کاشین^{۱۶} ۱۹۷۹، فوسیت و مک میلان^{۱۷} ۱۹۹۱، اومن^{۱۸} ۱۹۸۴).

هر چه ترم پیش می رود موضوعات را سخت تر کنید

به دانش آموزان فرصت هایی برای موفقیت در شروع ترم بدهید. زمانی که دانش آموزان احساس می کنند می توانند موفق شوند، می توانند به تدریج سطح سختی را افزایش دهید. اگر تکالیف و آزمون ها شامل سؤالات آسان تر و سخت تر می باشد، هر دانش آموز شانس برای تجربه موفقیت و کشمکش دارد (کاشین^{۱۹} ۱۹۷۹). روش های تدریس خود را متنوع کنید. تنوع در یادگیری، دانش آموزان کلاس و انگیزه آن ها را دوباره برمی انگیزد. روش تثبیت شده را با درهم آمیختن فعالیت ها و متدهای آموزش در کلاس خود بشکنید. اجرای نقش، حل مسئله گروهی، بحث، استدلال بررسی موارد، بهره گیری از وسایل سمعی و بصری، سخنرانان مهمان، یا گروه های کاری کوچک (فوسیت و مک میلان^{۲۰} ۱۹۹۱).

عدم تأکید بر رتبه

تأکید بیشتر بر مهارت و یادگیری تا نمره

ایمز و ایمز^{۲۱} (۱۹۹۰) در مورد دو معلم ریاضی دبیرستان گزارش دادند. یک معلم هر تکلیفی را نمره داد و تکلیف خانه را به عنوان ۳۰ درصد از نمره پایانی دانش آموزان حساب کرد. معلم دیگر به دانش آموزان گفت تا مدت زمان ثابتی را برای کار روی تکالیف خانه شان صرف کنند. (هر شب ۳۰ دقیقه) و سؤالاتشان را در مورد مسائلی که نتوانستند تکمیل کنند به کلاس بیاورند. این معلم تکالیف خانه را به صورت رضایت بخش و غیر رضایت بخش نمره داد، و تکلیف خانه را به منزله ده درصد نمره نهایی حساب کرد. اگر چه تکلیف خانه بخش کوچک تری از نمره دوره را شامل می شد، معلم دوم در برانگیختن انگیزه دانش آموزان برای انجام تکالیفشان موفق تر بود. در کلاس اول، برخی از دانش آموزان حتی ریسک کم ارزیابی توانایی هایشان را رها کردند. در کلاس دوم، دانش آموزان

ارزش خودشان را هر بار که تکالیفشان را انجام می دادند به ریسک نمی انداختند اما سعی بیشتری برای یادگیری می کردند. اشتباهات به دیده قابل قبول مشاهده می شدند و گاهی اوقات به عنوان چیزی که می توان از آن ها یاد گرفت.

محققان عدم تمرکز بر نمره یا حذف سیستم های پیچیده نقاط اعتبار را توصیه کردند. آن ها همچنین علیه سعی در استفاده از نمره برای کنترل رفتار غیر آکادمیک (به عنوان مثال، کم کردن نمره برای غیبت از کلاس ها) را توصیه کردند. (فوسیت و مک میلان^{۲۲} ۱۹۹۱، لومن^{۲۳} ۱۹۹۰) در عوض کارهای نوشته بدون نمره، تأکید بر رضایت شخصی از انجام تکلیف، و کمک به دانش آموزان برای اندازه گیری پیشرفت آن ها. آزمون هایی را که نوع یادگیری را که شما می خواهید دانش آموزان به دست بیاورند را طراحی کنید. دانش آموزان زیادی چه نمره ای را که بخواهند به دست بیاورند چه نه، یاد خواهند گرفت اگر آزمون هایتان را براساس به خاطر سپردن جزئیات قرار دهید، دانش آموزان بر حفظ کردن واقعیت ها تمرکز خواهند کرد. اگر آزمون های شما بر ترکیب و ارزیابی اطلاعات پافشاری کند، دانش آموزان وقتی مطالعه می کنند برای تمرین آن مهارت ها برانگیخته می شوند (مک کیچ^{۲۴} ۱۹۸۶).

از استفاده از نمره به عنوان تهدید خودداری کنید. همان طور که مک کیچ^{۲۵} ۱۹۸۶ اشاره کرد، تهدید نمره کم ممکن است فوراً برخی دانش آموزان را مجبور به تلاش بیشتری کند، اما دانش آموزان دیگر را مجبور به پناه بردن به روش های نادرست غیر آکادمیک دلیل تراسی برای دیرکرد، و سایر رفتارهای ضد تولیدی کند.

نتیجه گیری

این مقاله چشم اندازی کوتاه بود بر ماهیت انگیزه یادگیری و شیوه هایی که بتوان آن را در دانش آموزان بی رغبت به تحصیل افزایش داد. براساس تحقیقات و نظریه های رایج، انگیزه های یادگیری در همه افراد ذاتی است و انگیزه باید در حالت طبیعی در دانش آموزان پرورانه شود. نه این که آن را به وجود آورد. بنابراین معلمان بایستی برای برانگیختن دانش آموزان به یادگیری، جاذبه های انتخاب رشد را افزایش دهند و خطرات آن را به حداقل رسانند. چون در شرایط اضطراب از دانش آموزان درگیر مسئله نمی شوند پس باید یادگیری جالب باشد تا بچه ها هم احساس امنیت کنند و هم در آن شرکت نمایند.

پی نوشت ها

- | | |
|------------------|----------------------|
| 1. Motivation | 7. Etetkinson |
| 2. Motive | 8. Self Directed |
| 3. Shank | 9. Self - Regulated |
| 4. wienter | 10. Self - Motivated |
| 5. Fleman | 11. Lomen |
| 6. macclael land | 12. Brosk |

منابع

۱. شفیع آبادی، عبدا... (۱۳۷۸)، راهنمایی و مشاوره، تحصیلی شغلی، تهران، سمت.
۲. سیف، علی اکبر (۱۳۸۷)، روان شناسی پرورشی نوین (ویرایش ششم)، تهران، دوران.
۳. ابراهیمی قوام آبادی (۱۳۸۴)، پرورش انگیزه در دانش آموزان، تهران، رشد.
۴. حسینی نسب، داود، انگیزش رفتار، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ۱۳۷۱، سال ۳۵، شماره ۴-۳.
۵. ساروخانی، باقر، جامعه شناسی ارتباطات، انتشارات اطلاعات تهران، ۱۳۷۱، چاپ سوم.
۶. سیاسی، علی اکبر، نظریه های شخصیت، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.